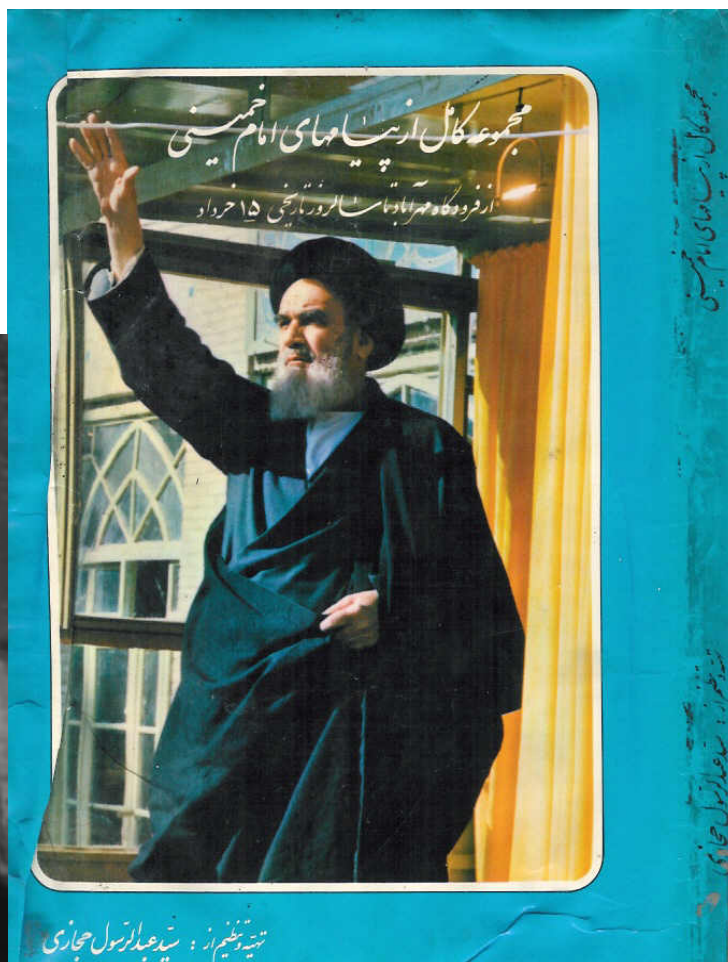


روزانه های دیروز

برچیده های محمد ایل بیگی از نشریات سالیان نه چندان دور



"بهشت زهرا" گونه های حمینی



مادر این مدت مصیبت‌ها دیده‌ایم ، مصیبت‌های بسیار بزرگ
و بعضی پیروزی‌ها هم حاصل شده‌اند البته آنهم بزرگ بود. مصیبت‌زن‌های
جوان مرده ، مرده‌های اولاد درست‌داده ، طفل‌های بدر از دست‌داده ، من
وقتی چشم به بعضی از اینها گشودم و ز یاد خود را درست داده‌اند می‌افتد ، سنگینی
بردوتم پیدا می‌شود ، که نمی‌توانم تاب بیاورم ، من نمی‌توانم از عهد
این همه خسارت‌ها که بر ملت ما وارد آمده برسیایم . من نمی‌توانم تشکر
از این ملت بکنم کدهمه چیزش را در راه خدا داد ، خدای تبارک و تعالی
باید آنها را جزا بفرماید. من به مادرهای فرزندان دست‌داده نسلیت
می‌گویم و در غم آنها شریکم . من به پدرهای جوان داده تسلیم عرض می‌کنم .
به جوانهایی که پدرانشان را از دست داده‌اند ، تسلیم می‌گویم . ما حساب
بکنیم کداین مصیبت‌ها برای چه‌ها این ملت وارد شده؟ مگر این ملت چه
می‌گفت و چه می‌گوید که! زآن وقتی که صدای ملت در آمده ، قتل و ظلم و غارت
ادامه دارد. ملت ما چه می‌گفت که مستوجب اینهمه عقوبات شدند. ملت ما
یک مطلبش این بود که این سلطان پهلوی از اول خلاف قانون بود ، از اول
که پا به گذاری شد ، برخلاف قوانین بود. آنها که درسی من هستند ، دیده‌اند
که مجلس موسسان با سرنیزه تاسیس شد و ملت هیچ دخالتی در این مجلس

نداشت ، وکلایش را با زور وادار کردند که به رضا شاه رای سلطنت بدهند پس ای سلطنت از اول امر باطلی بود ، بلکه اصل رژیم سلطنتی از اول خلاف قوانین و قواعد عقلی و حقوق بشر است . چون ما فرض می‌کنیم که یک ملتی همه رای دادند که یک نفر سلطان باشد بسیار خوب ، اینها از باب اینکه مسلط بر سرنوشت خودشان هستند ، رای آنها برای آنها قابل عمل است لکن اگر ملتی رای دادند و لو تماماً مشان به اینکه اعفاء این سلطان هم سلطان باشد ، به چه حقی ملت ۵ سال پیش سرنوشت ملت بعد را تعیین می‌کند .

سرنوشت هر ملتی بدست خودش است . ما در زمان سابق ، فسررض بیفرمانید در زمان اول قاجاریه نبودیم . اگر فرض کنیم که سلطان قاجاریه بواسطه یک رضاندومی تحقق پیدا کرد و همه یک ملت هم فرض کنیم رای مثبت دادند به آغا محمدخان قاجار و آن سلاطینی که بعدها می‌آیند .

زمانی که ما بودیم و زمان سلطنت احمدشاه قاجار بود هیچ یک از ما زمان آغا محمدخان را ادراک نکرده . آن اجداد ما که رای دادند برای سلطان قاجاریه ، به چه حقی رای دادند که زمان ما ، احمدشاه سلطان باشد سرنوشت هر ملتی بدست خودش است .

در مدیانه دو پینجاه سال پیش از این ، یک ملتی ، یک سرنوشتی و اختیاری داشته . او اختیار ماها را نداشته که یک سلطانی را بر ما مسلط کند .

ما فرض می‌کنیم که این سلطنت پهلوی ، در زمانی که ناسیس شد ، به اختیار مردم بود و مجلس موسسان راهم به اختیار مردم ناسیس کردند و این اسباب این می‌شود که بفرض اینکه این امر باطل صحیح باشد فقط رضاخان سلطان باشد آنهم برای مردمی که در آن زمان بودند .

و اما محمد رضا سلطان باشد بر آن مردمی که پیشترشان بلکه الابعض فلیلی از آنها ادراک آن وقت را نکردند ، چه حقی داشتند که در آن زمان ،

سرنوشت ما را در این زمان معین کنند. بنا بر این سلطنت محمدرضا اولاکمده چون سلطنت پدرش غیرقانونی بود و مجلس با زور و با سرسبزه تاسیس شده بود غیرقانونی است، پس سلطنت محمدرضا هم غیرقانونی است. و اگر چنانچه سلطنت رضا شاه هم فرض کنیم قانونی بوده، آنها چه حقی داشتند که برای ما سرنوشت معین کنند. هرملتی، سرنوشتش با خودش است. مگر پدیده های مابولی ما هستند که در هفتاد و نه سال پیش از این سرنوشت ما را تعیین کنند. این هم یک دلیل که سلطنت محمدرضا، قانونی نیست. علاوه بر این، این سلطنتی که در آن وقت درست کرده بودند و مجلس موسسان هم، ما فرض کنیم که صحیح بوده، این ملی که سرنوشتش با خودش باید باشد در این زمان میگوید که این سلطان را نمیخواهیم. وقتی که اینها را دادند که سلطنت رضا شاه را ورزیم سلطنتی را نمیخواهیم سرنوشت اینها با خودش است. اینهم یک راه برای اثبات اینکه سلطنت او باطل است.

حالا می آیم سراغ دولت های که ناشی شده از سلطنت محمدرضا شد و مجلس هایی که ما داریم. در نما طول مشروطیت، اسما بعضی از زمانها و آسپمنست به بعضی از وکلا، مردم در تعیین این وکلاداخلنی نداشتند. شما الان اطلاع دارید که در این مجلسی که هست، چه مجلس شورا چه مجلس سنا، و نمایت ایران و شما مردمی که در تهران سکونت دارید، از شما می پرسم که آیا شما کسانی را که در مجلسین هستند، شما اطلاع داشتید که خودتان اینها را تعیین کنید.

اکثر این مردم، آیا کسانی را که در مجلس شورا و یا در سنا هستند، می شناسند؟ اینها با زور و بدون اطلاع مردم تعیین شده اند. مجلسی که بدون رای و بدون اطلاع و رضایت مردم تعیین شده، غیرقانونی است. اینهایی که در مجلس شورا و سنا نشسته اند و ما ملت را به عنوان حقوق گرفته اند، این حقوق را حق نداشته اند بگیرند و ما من هستند. و اما دولتی که از شما هی ناشی می شود که خودش و پدرش غیرقانونی است، مجلس و وکلا غیرقانونی هستند، خود این

دولت هم غیرقانونی است. این ملت حرفی را که داشته اند و در زمان محمد رضا خان می‌گفتند که این سلطنت را نمی‌خواهیم و سرنوشت ما با خودمان است، حالا هم می‌گویند که ما این وکلارا غیرقانونی می‌دانیم. این مجلس سارا غیرقانونی می‌دانیم. این دولت را غیرقانونی میدانیم.

آیا کسی که خودش را ناحیه مجلسین و از ناحیه شاه منحوس شده و همه آنها غیرقانونی هستند، می‌تود که قانونی باشد؟ ما می‌گوئیم که شما غیرقانونی هستید و باید بروید. ما اعلام می‌کنیم که دولتی که به نام دولت قانونی خودش را معرفی می‌کرده حتی خودش هم قبول ندارد که قانونی است. خودش تا چند سال پیش ا را این، تا آنوقت که وزارت دستش نیامده بود، قبول داشت که غیرقانونی است. حالا چه شده است که می‌گوئید من قانونی هستم؟ این مجلس غیرقانونی است. از خود و کلایر رسید که آیا شما را ملت تعیین کرده است؟ هر کدام که ادعا کردند که ملت آنها را تعیین کرده است، هر کدام که ادعا کردند که ملت آنها را تعیین کرده است ما دستشان را می‌دهیم به دست یک آدم که او را به حوزه انتخابیه‌اش برود و در آنجا از مردم سؤال می‌کنیم که آیا این آدم وکیل شماست؟ شما او را تعیین کرده‌اید. حتماً بدانید که جواب آنها بی‌فایده است. بنابراین آیا ملتی که فریاد می‌کنند که ما این دولتمان، این شاهمان، این مجلس مان، خلافت‌قوانین است و حقوق شرعی و حقوق قانونی و حق بشری ما اینست که سرنوشت ما دست خودمان باشد، آیا حق این ملت اینست که در تهران یک قبرستان شهید برای مادر دست بکشد و در جاهای دیگر هم همینطور.

من باید عرض کنم که محمد رضا پهلوی، این خائن خبیث برای ما رفت. فرار کرد و همه چیز را بجا داد. مملکت ما را خراب کرد، قبرستان‌های ما را آباد، مملکت ما را از ناحیه اقتصاد خراب کرد. تمام اقتصاد ما الان خراب و درهم ریخته است که اگر چنانچه بخواهیم این اقتصاد را با جلا اول برگردانیم، سالهای طولانی با همت همه مردم، نه یک دولت می‌تواند

این کار را بکنند و یک قشور از اقشار مردم می‌نویسند این کار را بکنند. تا تمام مردم دست بدست هم بدهند. نمی‌توانند ریختگی این اقتصاد را از بی بی بمرسد. شما ملاحظه کنید به اسم اینکه ما می‌خواهیم زراعت را، دهقان ها را "دهقان" کنیم، با خلا "رعیت" بودند، می‌خواهیم از این پس "دهقان" شان کنیم، اصلاحات ارضی درست کردند. اصلاحات ارضی شان بعد از این مدت طولانی به آنجا منتهی شد که مگلی دهقانی از بی بی رفت.

زراعت ما بکلی از بی بی رفت. و شما در همه چیز به خارج محتاج هستید. یعنی محمدرضا این کار را کرد با از اردرست کند برای آمریکا و ما محتاج بد او باشیم. در اینکه گندم از او بیاوریم، برنج را از او بیاوریم، تخم مرغ را از او بیاوریم با از اسرائیل که دست نداشتند آمریکا است وارد کنیم. بنابراین کارهایی که این آدم به عنوان "اصلاح" کرده، این کارها خودش "امپراتور" بوده. فضا اصلاحات ارضی یک لطمه‌ای بوده به مملکت که تا بدو ۲۰ سال دیگر نتوانیم آن را احیاء کنیم. مگر همه ملت دست به دست هم بدهند و ما را بگردانند احیاء نمود.

فرهنگ ما را صورت یک فرهنگ عفا مانده بکهداشه مطوری که الان تحصیلات جوانان ما در ایران یک تحصیلات نام و نعام نیست و با بدبختی است که در اینجا یک بیمه تحصیل کردند و آنهم با این مصیبت‌ها، بایستد بروید در خارج تحصیل بکنند. ما مجا و از پنجاه سال است دانشگاه داریم و فربس می‌وجد سال است این دانشگاه را داریم. لکن چون به ما خیانت شده است از این جهت رشد انسانی نکرده است.

تمام انسان ها و نیروهای انسانی ما را این آدم از بی بی برده است. این آدم بواسطه نوکری که داشته، مراکز فحشاء درست کرده. تلویزیون اش مراکز فحشاء است. رادیو اش، بسیاری فحشاء است. مراکز که اجازه داده اند که باز باشد، مراکز فحشاء است. اینها دست بدست هم داده‌اند. در تهران مراکز مشروب فروشی بیشتر از کتاب فروشی است. مراکز

فساد دیگری الا ماشاء الله است. برای چه سینماهای ما مرکز فحشاء است؟ ما با مراکز فحشاء مخالفیم. ما با رادیو مخالف نیستیم. ما با فحشاء مخالفیم. ما با تلویزیون مخالف نیستیم. ما با آن چیزی که در خدمت اجانب برای عقب نگهداشتن جوانان ما و از دست دادن نیروی انسانی ما درآمده مخالف هستیم. ما، کی با مظاهر تحده مخالفت کرده ایم. مظاهر تجدد وقتی که برای خود را از اروپا به شرق و بخصوص به ایران گذاشت، چیزی که باید از آن برای پیشرفت نمن استفاده بشود. ما را به توحش کشاند.

سینما، یکی از مظاهر تمدن است که باید در خدمت این مردم و در خدمت تربیت این مردم باشد و شما میدانید که این ها، جوان های ما را به شیاهیه کشیدند. ما، با این ها در این جهات مخالف هستیم. اینها همه معنا، به این مملکت خیانت کردند.

و اما نفت ما تمام نفت ما را به غیر دادند. به آمریکا و غیرا از آمریکا دادند، مقداری را که به آمریکا دادند، عموش را گرفتند. عوض، اسلحه هایی بود برای درست کردن پایگاه برای آمریکا. ما هم نفت دادیم، هم پایگاه برای آنها درست کردیم. آمریکا با این حیل که این مردم دخالت داشت، با این حیل نفت را از ما برد و در عوض برای خودش پایگاه درست کرد. یعنی اسلحه هایی به اینجا آورد که ارتش ما نمیتواند از این اسلحه ها استفاده نکند. باید مستشارها و کارشناسان آمریکایی در اینجا باشند که این اسلحه ها مورد استفاده قرار بگیرد.

نفت ما اگر چند سال دیگر، خدا نخواسته این مردم عمر کرده بود، عمر سلطنت پیدا کرده بود، مخازن نفت ما را تمام کرده بود، زراعت ما را هم که تمام کرده است. این ملت بکلی ساقط شده بود و باید عملی کند برای عیار ما که قریب آدمی کنیم از دست این برای اینست، خون های جوانان ما برای این جهات ریخته شده. برای این ریخته شده که ما آزادی می خواهیم. ما اینجا ما را است که در اختناق بر برده ایم. نه مطبوعات داشتیم، نه

نه رادبو، ونه تلویزیون صحیح داشته‌ایم نه خطیب می‌توانست حرف بزند و نه اهل منبر می‌توانست حرف بزند نه امام جماعت می‌توانست آزادانه کار خودش را بکند و نه هیچکس از اقشار ملت می‌توانستند کار خودشان را ادامه بدهند و در زمان ایشان هم همین اختناق به طریق بالاتر باقی بود و باقی است و الآن هم باز نیمه حشا شها و کعبه باقی است، نیمه حشا شها این اختناق هم باقی است خود این آدم، تمام اینها غیر قانونی است و اگر ادامه دهند مجرمند و باید محاکمه شوند. ما آنها را محاکمه می‌کنیم.

من دولت تعیین می‌کنم. من توی ذهن این دولت می‌زنم. من دولت تعیین می‌کنم. من به پشتیبانی این ملت دولت تعیین می‌کنم من بواسطه اینکه این ملت مرا قبول دارد، (که فزین ها و صلوات) این اتفاق خودش هم خودش را قبول ندارد. رفقای من هم قبول ندارند. ملت هم قبولش ندارند. ارتش هم قبولش ندارد.

فقط آمریکا از او پشتیبانی کرده و فرستاده و به ارتش دستور داده که از او پشتیبانی کند انگلیس هم از او پشتیبانی کرده و گفته که با ایداز او پشتیبانی نکنید یک نفر آدمی که نه ملت قبولش دارد و نه هیچکس از طبقات ملت قبولش ندارد. بلکه چند نفر از اشرار را دارند که می‌آورند توی خیابان‌ها که از خودشان هستند که فریاد هم می‌کنند. می‌گویند که در یک مملکت که دولت تمینود، خوب این واضح است. یک مملکت دوتا دولت نمی‌تواند داشته باشد. لکن دولت غیر قانونی باید برود. تو غیر قانونی هستی. دولتی که ما می‌گوئیم دولت متکی به حکم خداست. تو با بدی خدا را انکار کنی یا ملت را.

با این آدم سر جایش بنشینند. و با اینکه ما آمریکا یک دستبند اراش را و اوارا را کند، ما تا هستیم می‌گذاریم این‌ها سلطه پیدا کنند. ما نمی‌گذاریم دوباره عاده بشود این حیثیت سابق و آن ظلم‌های سابق. ما نخواهیم گذاشت که محمد رضا برگردد. این‌ها می‌خواهند او را برگردانند.

ای مردم بیدار باشید. نقشه دارند می‌کشند. این مرد که در آن جایی

که هست ستاد درست کرده . داورند روابط درست می کنند . میخواهند دوباره ما را برگردانند بعد آن عهدی که همه چیزمان اختناق در اختناق باشد و هم هستی ما به کام آمریکا برود . ما نخواهیم گذاشت . تا جان داریم نخواهیم گذاشت و من از خدای تبارک و تعالی سلامت همه شما را خواهانم . و من عرض می کنم بر همه ما واجب است که این نهضت را ادامه بدهیم تا آنوقت که اینها فقط بشوند و ما بواسطه آرای مردم مجلس موسسان درست بکنیم و دولت اول و دائمی را تعیین بکنیم . و من باید یک نصیحت به ارتش بکنم و یک تشکر از قشرهایی از ارتش .

آن نصیحتی که میکنم اینست که ما میخواهیم که شما مستقل باشید . ما ها داریم زحمت می کشیم . ما ها خون دادیم . ما ها جوان دادیم . ما ها حبشیت و آبرودادیم . ما بیخ ما حبس رفتند . رجز کشیدند . می خواهیم که ارتش ما مستقل باشد . آقای ارتشید شما نمی خورید که مستقر باشی؟ آقای سر لشکر شما نمی خورید که مستقر باشی؟ میخواهی نوکرتانی؟ من به شما نصیحت می کنم بیا شد در آغوش ملت و همان چیزی که ملت میگوید بگوئید . بگوئید ما باید مستقل باشیم .

ملت میگوید ارتش باید مستقل باشد . ارتش نباید بر سر مسان مستشارهای آمریکا و اجنبی باشد . ما برای خاطر شما این حرف ها را می زنم شما هم بیا تبدیل خاطر خودتان این حرف ها را بزنید و بگوئید ما میخواهیم مستقل باشیم ما نمی خواهیم این مستشارها باشند . ما که میگوئیم ارتش باید مستقل باشد . جزای ما اینست که بریزد توی حیوانات و خون جوان های ما را قشرهایی که منصل شدند به ملت اینها آبروی خودشان را ، آبروی ملت نان را ، آبروی کشورنان را ، حفظ کردند . این درجه دارها ، همافرها ، افسرهای نیروی هوایی . اینها همه مورد تشکر و تمجید ما هستند و همینطور آنهایی که در افغانستان ، در همدان و در سایر جاهای اینها بکلیه شرعی ، ملی و کشوری خودشان را دادند . و به ملت ملحق شدند و به شما نی از نیفت

اسلامی ملت را کردند ما را آنها شکر می‌کنیم و به آنها بی‌گناه متصل شدند می‌گوئیم که نه اینها متصل بشوند.

اسلام برای شما بهتر از کفر است، ملت برای شما بهتر از اجنبی است ما برای شما می‌گوئیم این مطلب را، شما هم برای خودتان این کار را بکنید، رها کنید این را، خیال نکنید که اگر رها کردید، ما سائب شما را به دار می‌زنیم، این چیزهایی است که کسان دیگر درست کرده‌اند، والا این‌ها فرها و اسب درجه دارها و اسرها که آمدند و متصل شدند با کما از عورت و سعادت آنها را حفظ می‌کنیم، ما می‌خواهیم که مملکت مملکت فوی باشد، ما می‌خواهیم که مملکت دارای یک نظام قدرتمند باشد، ما می‌خواهیم نظام را بهم‌زنیم، ما می‌خواهیم نظام محفوظ باشد، لکن نظام ناشی از ملت و در خدمت ملت، به نظام می‌گفته دیگران آنرا سرپرستی بکنند و دیگران به این نظام فرمان بدهند، والسلام و علیکم ورحمته‌الله وبرکاته.

امام خمینی:

اسلام دین سیاست است

حضرت آیت‌الله خمینی در مدرسه علویه خطاب به روحانیونی که به دیدار ایشان آمده بودند اظهار داشت: هر کس اسلام را مطالعه کرده باشد قرآن را مطالعه کرده باشد، کافی است که بداند اسلام یک جامعه را از هر نظر تربیت می‌کند. و فرق مابین اسلام و سایر قوانینی که در دنیا است (به غیر از قوانین الهی که اکنون منسوخ شده است چون آنها هم در اصل مانند اسلام هستند) فرق بین قوانین الهی و قوانین ساخت بشری است که برای قوانین بشری جنبه‌های ضعفی را در نظر گرفته است. مثلاً قوانینی که برای حفظ نظم بوجود آمده است برای کیفیت سیاسی دنیوی است و بعداً دیگر شرمورد توجه قوانین بشری نیست. در صورتی که اسلام به حسب ابعاد انسانی طرح و قانون دارد.

قبل از اینکه انسان مدنیانآید، قبل از اینکه زن و مرد ازدواج کنند، چگونگی انتخاب زن، چگونگی انتخاب شوهر، قوانین لجاج و غیره را مثل یک زارعی که یک بوم مکار و دوازان نگهداری می‌کند که درست پرورش پیدا کند اسلام قوانینی برای انسان از قبل از ازدواج شروع کرده تا وقت تولد و تربیت در دامان مادر و تا آخر دارد. هیچیک از قوانین بشری تکفیل اسی امر را ندارد اسی امر مخصوص قوانین انبیاء است ابعاد دیگری که بشر دارد و قوانین دیگر مدنالش نبوده اند قوانین ترکیب نفس است برای اینکه انسان موجود الهی شود، قرآن کتاب انسان سازی است. مکتب اسلام مکتب انسان سازی است. انسانی با همه ابعاد انسانی با بعد مادی. قوانین بشری برای محیط اجتماعی مقرراتی دارد ولی برای خلوت انسان نه، آنها به خلوت انسان کاری ندارند، اسلام خلوت و بیرون ندارد. خودت تنها باشی مراقب است یک نفر همراهیت باشد همینطور... یک بعد انسان هم می‌خواهد در این دنیای مادی معاشر کند، دولت تاسیس کند، و به مادیات بپردازد که اسلام آسبم دارد آنقدر که آیات و روایات در سیاست وارد شده در عبادت وارد نشده. شما از اینجا و جند کتاب فقه هفت یا هشت کتاب در

عبادت می‌بینید، بقیه در معاشرت و سیاست است. اسلام را چنان بد معرفی کرده‌اند که ما هم با و رمان شده که اسلام با سیاست چه کار دارد؟ می‌گویند سیاست متعلق به قیصر است و محراب متعلق به آخوند است از محراب راهم بسه آخوند نمی‌دهند.

اسلام دین سیاست است

اسلام دین سیاست است تا مه حضرت علی را به مالک اشتر بیخوانید، دستورات حضرت محمد و حضرت علی را در جنگ و سیاست‌ها بیخوانید. ما از این نظر ذخیره‌های زیادی داریم ولی قابلیت استفاده از آن را نداریم. مثلاً اینکه ایران همه چیز دارد، اما تمام آن را به غیر می‌دهند. کتاب سنت ما همه چیز دارد ولی آن را بد معرفی کرده‌اند. از موقعی که راه اروپا به آسیا و شرق با زد کارشناسهای آنها دور افتاده و مطالعه کردند وقتی آنها بیدار بودند ما در مدرسه‌ها خواب بودیم و به وجب خاک ایران تحسنت مطالعه قرار گرفته، هر جا نفت هست نقشه دارند، هر جا می‌وجود دارد نقشه‌ای از آن را دارند، آنها در بیابانهای بی آب و علف با شتر به جستجو پرداختند و مخازن و معادن را ثبت کردند. مطالعات آنها در باره ما هم همینطور بوده و فهمیدند آن چیزی که ممکن است جلو آنها را بگیرد اسلام و خدمت گزاران اسلام است و اسلام از آن را دکوبیدند و آنرا از ملت اسلام و خدمت گزاران به قرآن جدا کردند، حتی ما گاهی به خدمت گزاران قرآن هم نمی‌توانیم حالی کنیم که اسلام از سیاست جدا نیست آنها این را بسرای اسلام عیب می‌دهند! ما اسلام حکومت دارد، امامت دارد، پنجم را اسلام حکومت تشکیل داد. حضرت امیر استان ندارد داشت. حکومت داشت. فرماندار داشت. ارتش داشت. آنها قواعد ارتش داشتند ما هم اینها را مطالعه کرده‌ایم اما آنقدر به ما تلقین کردند که آقا اینها را بگذارید کنار، آقا بروید نماز بیخوانید، چکار داری به این کارها همین چکار داریها بود که

حالا ما باید اینجا جمع شویم عزای بگیریم . از آنطرف کارشناسان در روحیات مردم مشرق خصوصا مسلمین شعه مطالعه کردند و دانستند که آنها به روحانیت احترام می‌گذارند و ناسخ آنها هستند گفتند ، چه بکنند باید روحانیت را از مردم جدا کنند . نقشه کشیدند و روحانیت را از مردم جدا کردند .

نفس کشیدن آخوند

شما زمان رفاه شاه نبودید، کسانی که مثل من بپر مردم هستند درک کرده اند آنها بیواسطه نقشه خارجی چنان کردند که آخوند نمیتوانست نفس بکشد . آخوند را سواراً نومیال می‌کردند اما نقشه آنها برای جدا کردن روحانیت از مردم نگرفت ، مگر در یک مورد که موفق شدند روحانیت را از دانشگاه جدا کنند . یک روحانی حق نداشت که از یک دانشگاهی حراف بر زندگی بگفتند حرف زن مارکسیست است ، دانشگاهی هم همینطور ، فکس می‌کرد که آخوند ها را انگلیسی ها آورده اند . در نظر دانشگاهی آخوند یا درباری بود یا برگزیده انگلیس و دشمن از این جدائی استفاده میکرد . شما ملاحظه کردید که در این مدت کوتاه که طبقات مختلف فعلا حفظ شد با امت قیام یک ملت شد و در بی وحدت کلمه همه این قدرتهای عالم را زمین زد ، تمام تسوپ و تانکها را زمین زد ، محمد رضا را همه شما می‌شناسید . چند سال قبل چه مداخلی ها که نمی‌کرد ، چه قدرتی هم داشت آمریکا ، روسیه ، انگلیس و دولت اسلامی همه پشتیمان اویودند ، اما این قدرت به این بزرگی راهم شما با وحدت کلمه از این برید و خون بر شما بیروز شد . او فرار کرد اما چند بیلیون اموال ملت را هم با خود برد ، در مورد یکی از مستغلات خواهر شاه نوشته بودند که ۳۵ میلیون تومان فقط خرج کلکاری باغچه آنجا شده که من و شما به خواب هم نمی‌توانیم ببینیم .

گامی بلند در تشیع:
از نفی قدرت
تا فلسفه قدرت

دستخط و فرمان امام خمینی در باره
نخست وزیر مهندس بازرگان

۹۹ / ۱۲ / ۶۷ - سیم بهار جمعه ۱۳۴۷

جناب مهندس صدر بازرگان

بنا بر پیوسته شورای انجمن روحانیت و محبت علمای شریعی و علمای فقهی که آراء اکثریت تابع حقیق و اطلاق

حکومت ایران است که علمای ائمه عظام و نظامی است و هیچ وقت در برابر ایران نیست و بر مبنای حقیق و اطلاق است

است. در محبت و احترام که با بیان واضح است که علمای ائمه عظام در اطلاق که در سوابق آن در سوابق است

بسیاری در علم حقیق را در سوابق و نظیر آن در سوابق و نظیر آن در سوابق و نظیر آن در سوابق و نظیر آن در سوابق

بنام آن توفیق و ائمه عظام و محبت و احترام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام

بهدر آن علمی و فقهی که در سوابق و محبت و احترام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام

فایده آن است بر طبق قانون اساسی جمهوری ما بر این است. مستقر است که معادرت است و با هم قدرت داریم

در آن علمی که مستقر است در سوابق و محبت و احترام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام

تا بلکه که در سوابق و محبت و احترام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام

در وقت شما در دولت است و با هم در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام در تمام

۱۳۴۷

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم . بسم الله الرحمن الرحيم .

آقایان آشفنگی چندساله ملت ما را میدانند و مطلع اند که تمام دستگا‌های ملی و دولتی فلج شده است و وضع اقتصادی رویه نا‌بودی رفته‌است . وضع فرهنگ ما خراب است . دانشگاه‌ها تعطیل اند ، و مدارس تعطیل است . بازارها تعطیل است . تمام اینها مضافاً به خونریزی‌هایی که تاکنون شده است و آشفنگی‌هایی که شده و هست ، از همه اینها اطلاع دارید . ما اعتقاد داریم که اگر چنانچه دولت غاصب و کسانی که به آن مربوط هستند دست از شلوغ کاری بردارند و با تمقل فکر کنند و کنار بروند ، همه این مسائل را انشاء الله با پختیایی ملت حل خواهیم کرد . شما خبرنگارها در ایست مدت ملاحظه کردید که ملت ما از مرکز تا هر جا که چشم‌انداز باشد ، شهرستان‌های

۳۲

بزرگ و کوچک ، دهکده‌ها ، قرا و قصبات همه با هم یک فکرو یک تطریباً اراده مضمم از ما میخواهند که رژیم سلطنتی که یک رژیم پوسیده غیر عقلانی است و رژیم سلطنت محمد رضا خان از میان برداشته شود . همه مردم یک دل و یک جهت جمهوری اسلامی را میخواهند . ملت ما مسلمان است . علاقمند به اسلام است ، عدل اسلامی را دیده‌است ، تاریخ ما از حکومتها‌ئی که در سطح اسلام بوده خبر بر ما داده که وضع این حکومتها چه بوده . حضرت امیرالمومنین علی بن ابی‌طالب که حاکم مملکت بزرگ از عربستان ، تا مصر و عراق و ایران و سوریه و سایر جاها بوده‌است . وقاضی که خودش برای قضا قرار داده بود ، وقتی یک نفر یهودی از ما ما به او شکایت کرد ، قاضی حضرت علی علیه السلام را خواست و با یهودی در عرض هم نشستند و دادخواهی‌ند و قاضی حکم برخلاف حضرت علی داد . ما آرزوی یک همچین حکومتی را داریم یک حکومت عادل میخواهیم ، حکومتی که نسبت به افراد علاقمند باشد . و عقیده‌اش این باشد که با کسی من نان خشک بخورم می‌آید ، یک نفر در مملکت من زندگیش پس باشد ، گرسنگی بخورد . ما چنین حکومت عدلی میخواهیم ایجاد کنیم . و ما ، چنان که شما میدانید - یعنی خبرنگاران بواسطه اطلاعاتی که در مملکت خودشان است - و ما هم بواسطه اطلاعاتی که در این مملکت داریم و مشاهده‌اشی که داشتیم از اول که رضا خان کودتا کرد ، تا وقتی که مجلس موسسان درست کرد و کلابی خودش درست کرد ، شما اینها با سربیزه بود و او را ده مملکت دخالت در این وضع نداشت و ملت به هیچ وجه به حساب نمی‌آمد .

او با سربیزه مجلس موسسان را تاسیس کرد . و آنها رای دادند .

آن رای باطل بود . و آن مجلس ، مجلس ملی نبوده است . و چون مجلس ملی نبوده است ، رژیم سلطنتی بپهلوی ، رژیم منکی به سربیزه نبوده و قانونی نبوده است . وقتی رژیم قانونی بشد ، مجلسی که بعداً تعیین شده است - قانونی نبوده‌است . الان همه دولت قانونی است . نه این مجلس ، نه آن مجلس لهذا چون مجلس را غیر قانونی می‌دانیم و دولت را غیر قانونی می‌دانیم ، و اوضاع

کشور را آشفته می‌بینیم . برای اینکه خاتمه بدهیم به این وضع هر چه زود تر به اتکاء آراء عمومی که بر ماست و ما به احتساب آراء عمومی (وشمشاسا می‌بینید که آراء عمومی ما است و ما را بعنوان وکالت و یا بعنوان رهبری قبول دارند) یک دولتی را معرفی می‌کنم . رئیس دولتی را معرفی می‌کنم موفنا دولتی تشکیل بدهد که هم به این آشفتگی‌ها خاتمه بدهد و هم این مسائل کونی که مجلس موسسان است یعنی ترتیب انتخابات مجلس موسسان را بدهد و مقدمات آنرا درست کند . و مجلس موسسان تا بس بشود .

و انتخابات مجلس هم انجام بشود و آنها دولت فانونی را انتخاب کنند و مجلس موسسان که تشکیل شد ، جمهوری اسلامی را سه مرتبه دوم بگذارد . هر چه می‌اعتقادم اینست که احتیاجی به رفراندوم نیست و مردم مکرر رأی داده‌اند لیکن برای اینکه بهانه تمام بشود ، آزادانه‌ای کار را می‌کنم تا مردم بدانند رای آزاد که مردم می‌دهند که وجه رژیم می‌دهد لهذا دولت موقت را سعی کنی کردم و چون جناب آقای مهندس مهدی بازرگان را سالهای طولانی است که از نزدیک می‌شناسم مردی است فاضل ، مدین از لحاظ دینان و امین به ملت و ملی و بدون گرایش به چیزی که خلاف مقررات شرعی است ، من ایشان را معرفی می‌کنم که ایشان رئیس دولت باشد . و ایشان وزرای خود را تعیین میکنند . و به ما معرفی می‌کنند تا شورای انقلاب ما که پیشنهاد و نظرش این بوده که ایشان رئیس دولت باشد . و زرا ایشان را بررسی می‌کنند و انشا الله مماشاسا بطور سهولت و به نحو خوبی انجام بگیرد . من با ندیک توضیح دیگری هم بدهم . و آن این که من که ایشان را احاکم کرده‌ام ، یک نفر آدمی هستم که بواسطه ولایتی که از طرف شارع مقدس دارم این را قرار داده‌ام . ایشان واجب الاتباع است ملت باید از او اتباع کنند . یک حکومت عادی نیست ، یک حکومت شرعی است . باید از او اتباع کنند . مخالفت با این حکومت مخالفه با شرع است . قیام علیه حکومت شرع جزایش در قانون ما هست در احکام هست در شرع ما هست و جزایش بسیار زیاد است . من تنبه می‌دهم به کسانی که تخیر این

امروز بکنم که کارشکنی نکنند. یا خدای نخواستہ قیام برضد این حکومت
 نکنند من اعلام می‌کنم که جزای آنها بسیار سخت است. در فقه اسلام، قیام
 برضد حکومت الهی قیام برضد خداست. قیام برضد خدا کفر است. من تنبیه
 میدهم به آنها که سر عقل بیایند. بگذارند مملکت از آشتگی بیرون بیاید.
 بگذارند خونهای محترم ریخته نشود. بگذارند جوانهای مادیگرایینفرد
 خون ندهند. بگذارند اقطاع ماصحیح بشود. تا ما به تدریج کارها را اصلاح
 بکنیم و از خدای تبارک و تعالی میخواهیم که توفیق بدهد به آقای مهندس
 که این ماموریت را به وجهی احسن انجام دهد.

من سخنان مهندس بارزگان

بسم الله الرحمن الرحيم - وان نصر قريب . خدای بزرگ را شکر
 میکنم که چنین اعتبار و محبت شهرتی را، که به هیج وجه اهملت و لسانت
 آبرانداشتم، به من ارزانی داشته و همی موهبت الهی باعث شد که آیت الله
 ابرار اعظم دوارجا، چنین ماموریتی را به بنده عنایت فرمائید و همجسین
 شکر از ملت ایران بکنم که آیت الله مکرر تا کس در مودند که ته نام ملت،
 همصدای ملت و برای ملت "گامها و صداهای خود را سرداشته و بلند کرده. این
 ماموریت یعنی سیاست دولت موقت و تنکبالت حکومت در شرایط بسیار دشوار
 و خطرناک عظیمترین شغل و وظیفه در عین حال بزرگترین افتخاری است که
 به بنده واگذار شده است. و شاید حق داشته باشم که بگویم دشوارترین وظیفه
 و کاری است که در طول تاریخ هفتاد و دو ساله مشروطه ایران به نامزدها
 و ماموران نخست وزیری های دیگ داده شده باشد. قاعدتاً با توجه به چشمه
 نحیف و سواقص و معایب خود نمی‌بایستی قبول این مسئولیت کرده و زیر
 بار چنین امری رفته باشم. ولی از یک طرف بنا به ضرورت و وظیفه و مسئولیت
 طبیعی و انتظاری که داشتم مجبور بودم. ناچار شدم قبول کنم. و مخصوصاً
 با تاسی به رویه و سنتی که خود آیت الله در سراسر دوران اداره ورهبری جنبش

داشته اید با عزمی راسخ و ایمانی کامل با خدا و اعتماد به موفقیت این راه رهبری فرموده اید، من هم همین راه را می‌پیمایم. و این اولین درسی است و اولین دستوری است که از آیت اله گرفته‌ام و فرمایش حضرت علی بن ابیطالب (ع) را به کار بسته‌ام و می‌بندم که فرموده‌اند " وقتی در برابر مخاطب و کار مشکلی قرار گرفتید تردید نکنید و ازشوید به حوز و قدرت الهی مشکلات و مسائل حل خواهد شد " بنا براین عرض میکنم که با امید به خدا و امتنان از آیت الله و انتظار از ملت ایران و ملت جهان این ما موریت و خدمت خطیر را قبول و تعهد کردم .

برای مخاطرات و زحماتش آماده‌ام تا آنجا که مربوط به بنده باشد کوشش و منتهای کوشش و نهایت جها در ادراک ملت عزیز ایران خواهم کرد. و الا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم .

سخنان محدداً امام

امام خمینی آنگاه دوباره رهنه سخن را به دست گرفت و گفت مسکن بعد از تشکر از ملت ایران که در این مدت طولانی رنج و زحمت بردند و بی‌دادن خون خودشان به اسلام خدمت کردند، مطالبی است که میخواهم برای ملت به عرض برسانم و آن اینست که نظر خودشان را درباره دولت آقای مهندس بازرگان که دولتی شرعی و اسلامی است، اعلام کنم هم به وسیله مطبوعات هم تظاهرات آرام (امام بروی کلمه آرام تاکید کرده است) در شهرها و دهکات و هر کجا که مسلمان است، نظر خودشان را راجع به دولت اسلامی آقای مهندس بازرگان اظهار کنند .

سخنان امام

در آستانه

اقامت دائم

در قم

بسم الله الرحمن الرحيم

در این موقع که نمود شرف بقم حرم اهل البيت عليهم السلام را

دارم لازم است از ملت بزرگ ایران عموماً تشکر نمایم .

الحق بدهمت والای این ملت تجدیده بود که با اتکال به قدرت لایزال الهی و اعتماد به ولی عصر عجل العفرجه پیروزی بر قدرتهای شیطانسی حاصل شد . و نیز از اهالی محترم تهران که از حین ورود ناگنون که میخواهم صورنا آنان را و داغ کنم گرچه روحا و قلبا از آنان و سایر ملت عزیز دور نیستم . زحمات فوق العاده کسیده و عواطف پرشورا ز خود نشان دادند تقدیر و تشکر می‌کنم من مرهون عواطف همه جنابها و ایشا محترم هستیم . خداوند تعالی بسه آنان استقلال و آزادی و استقامت و صحت عنایت فرماید و جمهوری عدل اسلامی را برای آنان مسفر فرماید . لازم است مطلبی را تذکردهم .

۱- ملت شعاع باید توجه داشته باشند که گرچه اسباده داخلی ضرورت و مردم آزادی را لمس کرده اند ولی هنوز ریشه های استعمار آمریکا ، شوروی ، انگلیس و میسوشیم و سایر دول حیا و لکرا از اسیر زبونم کا ملا خطم نشده است باید همه بدون کوچکترین توقف و رکودی در امرین بودن نفوذ کنورها احسنی با هم متحد شویم . باید توجه داشت که شاه اس مملکت را چنان در دست اجانب فرار داده است که باید ما لبان دراز ما نوار منی مبارزه کرد و ما اگر نخواهیم استقلال حقیقی بدست آوریم باید سعی کنیم تمامی اشکال نفوذ امریکاه ، استعمادی و جد نظامی و چه ساسی و فرهنگی را از بین ببریم و من اسدوارم که ملت ایران به مهم هر چه زودتر برسد .

۲- همه میدانید که رژیم پیروزی بزرگی که ملت به آن رسیده است وحدت کلمه همه اقشار از مرکز تا اقصی بلاد کشور و وحدت هدف آن برجیده شدن حکومت طاغوتی و قطع ایادی استعمار و استعمارگران بن المللی و برپا شدن جمهوری اسلامی بود . اکنون احتیاج بیشتر داریم بحفظ این وحدت کلمه و وحدت مقصد .

ملت بزرگ باید هوشیارانه از بعضی عناصر متفرقه افکن که با شعارهای فریبنده میخواهند دست اجانب را به کشور مسلمان ما با رکنند و همان

اخذناق و چپا ولگری را به فرم دیگر برگردانند احتراماً زکندوباً تنها گذاشتن آنان وعدم شرکت در اجتماعات آنان و با منطبق اسلامی تبلیغات سوء آنان را واغشی کنند . همه میدانند این بیروزی از قدرت اسلام است و مسلمین با دادن خون شریف خود ترا بدست آورده اند و فرصت طلبان میخواهند بدون فعالیت مثبت از آن بهره بردارند و با حمله و خرابی ملت فریبکاری خود را جایز کنند . ملت ایران با بدبا هشیاری از آنان جلوگیری کنند در صورتی که آزادی بیان و قلم و عقیده برای همگان آزاد میباشد و لکن مردم توطئه را هرگز اجازه نمیدهند .

۳- کارگران کارخانه ها و دیگر کارگران و کارمندان و طبقات مستضعف با بدبا نند که اسلام از بدو ظهور طرفداران آن بوده و در حکومت عدل اسلامی به آنان اجاف نمیشود و نخواهد شد و کاتبیکه با دستور با میل و نفع اجانب بین آنان میروند و با بختی اگر کاتب فریبند . میخواهند آنان را از اسلام جدا کنند و با آنها هستند که بعضی سران آنان در خدمت دربار محمد رضا پهلوی بودند و همه آنان آگاهانه با نا خود آگاه در خدمت اجانب هستند . لازم است این عناصر مفسده جو را در بین خودشان و در کارخانه ها راه ندهند و از اجتماعات آنان احترام زکند .

من بدولت راجع به مجانی کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم بها عتی که در اثر بیعوضات خاندان برانداز رژیم محرومیت ها دچار محرومیت شده اند و با برپائی حکومت اسلامی با مید خدا ایس محرومیت ها بر طرف خواهد شد سفارش اکید نمودم که عمل خواهد شد .

۴- ارتش و شهر بانی و ژاندارمری اکنون در خدمت اسلام هستند و از ملت هستند با بد ملت از آنان پشتیبانی کنند و کاری که موجب آزر دگسی و دلسردی آنان است انجام ندهند و با بد فوای انتظامیه بدانند که پس از تحفیه زعنا مرها سد تمام آنان در بناه اسلام و حکومت عدل اسلامی با احترام و رفساه زندگی میکنند . ما میدانیم که شکست دشمن مرهون بیوسن جناحهای از بیرو ها و با بر ما مورین دولتی به ملت بود شما نمای با حساس بیروزی کنید زیرا ملتید

و در پیروزی آن سهم هستیم و ما به شما احترام می‌گذاریم و شما را برادران - خود میدانیم من بعلمت ایران اکیدا هتدار میدهم که دولت بایدارتش ملی و قوی و با روحیه مقدر داشته باشد تا قدرت بر حفظ کشور داشته باشد. ملت محترم ما بیدرتقویت روحی ارتش و افسران کوشش کنند و گویندگان و وعاظ محترم نیز در تقویت آنان کوشش نمایند و از جمله به یادگانهای قوای انتظامی. در سر با سر کشور با بد جدا جلوگیری شود امروز جمله به یادگانها مخالفت با انقلاب اسلامی است و بایدارت آن احترام کرد و لازم است کمیته‌های انقلاب اسلامی در شهرستانها از فرماندهانی که از جانب ستاد کل ارتش ملی اسلامی تعیین میشود جدا پشتبانی کنند و نیز از روسای دیگر قوای انتظامی که از طرف قوای دولتی تعیین میشوند پشتیبانی نمایند.

خودداری از زندانیان

۵- کمیته‌های انقلاب اسکی در تمام شهرستانها موظفند که بمجرد تسلط شدن دولت بر اوضاع شهرها فعالیت‌های کمیته‌ها را به قوای دولتی تسلیم کنند و از دخالت در امور دولتی خودداری نمایند و بایدارت همه کمیته‌ها در مورد رحمانی که در این دوره انقلاب کشیده اند تذکر کنیم. شماها بودید که با همت خود آشفگی‌ها را سامان دادید.

۶- به تمام اعضا کمیته‌ها و زندانیانها حکم میکنم که بسا زندانیان هر که با شیطورا نسا نیت و اسلامی رفتار کنند و از آزادی رومیقه و رفتار خشن و گفنا رنا هجا خودداری کنند که در اسلام و حکومت عدل اسلامی این امور مسموع و مجکوم است و به بستگان زندانیان در روز معنی بسا مقررات اجازه ملاقات دهند.

۷- کرا را گفتم و باز تکرار میکنم کسی حق ندارد بمنزل مردم حمله کند و وارد منزل آنان شود و اگر اطلاع پیدا کند که مجرمی در منزل است مراتب از فرار او و کند و بید معانات مسئول اطلاع دهند که ما موازین او را دستگیر

نمایند . علاقه‌مندان به‌نیوضت با بدازاین‌گونه اعمال اجتناب کنند . مردم با بی‌دروغی موازین شرعیه عمل نمایند .

۸- طولانی بودن اجتماعات موجب بحران‌هایی شده است که لازم است مردم برای همراهی به طبقات مستمند از گران، فروشی دراززاق عمومی احترام کنند و از زاق مورد احتیاج عموم را بقیمت ارزان بفروشند . این یک مسلسل انسانی و اسلامی است که این‌جانب از عموم انتظار دارم . خداوند متعال برای این انسان دوستی به‌آنان برکت و رحمت عنایت می‌فرماید .

۹- کار را سفارش علماء، اعلام و ائمه جماعت محترم و خطباء ارجسد و سایر خدمتگزاران به شریعت مطهره را نمودهام . لازم است ملت معظم بدانند که اگر خدای نخواسته خللی در موقعیت این جماعت که باسداران اسلام و قرآن هستند وارد شود، اجانب چپا و لگربه آمال خودخواهند رسد و رسته امور از دست خواهد رفت . روشنگری این قشر محترم بود که ملت را با روحیه اسلامی بسه هجان آورد . خدمت این طغه را نباید فراموش کرد . و اکنون نیز با کمک این طبقه است که در تمام کشور و فاع روبه آرامش است . من توصیه می‌کنم حتی نسبت به کسانی که به من اهانت نموده اند بسیار عرض شود . من از روحانیت می‌خواهم با برادران خود در جهت گسترش میانی مبارزاتی همکاری کنند و با آنان با مهربانی رفتار نمایند . من همه افرادی را که از من غیبت کرده یا به من اهانت نموده اند عفو نمودم و از خدای تعالی برای همه طلب عفو می‌کنم و تقاضا دارم که آقایان ائمه جماعت را که از قرار مسموع تشریف یا ورده اند به مسجد دعوت نمایند و احترام آنان را حفظ کنند البته حساب کسانی که معلوم است در خدمت دستگاه ظلم بوده اند جداست .

تمیخت به مطبوعات

۱۰- در مطبوعات که بعد از انقلاب اسلامی خود را در خدمت انقلاب

و مسرملت معرفی میکنند مطالب و مقالاتی درج میشود که برخلاف مسیر انقلاب

زیادونه یک کلمه کم من زملت شریف انظار دارم که به " جمهوری اسلامی " رای دهند که تنها این مسیر انقلاب اسلامی است و کسانی که مخالف هستند آزاد و مختارند که اظهار مخالفت نمایند و علماء اعلام شهرستانها و فریوقصبات و خود ملت مکلفند که نگذارند کسی طلب آزادی از کسی بکند و صورت فیت کنند آزادانسه و مراقبت کنند آزادانسه هرگز رای خود را ندهد .

۱۲- بایدهرچه سریعتر به وضع جنایتکاران رژیم فاشیستی شود و در دادگاه های فوق العاده انقلابی مردمی علنا آنان را محاکمه کرده و به مجازات برسانیم تا مردم ستمدیده ما از وضع آنان مطلع شده و مطمئن شوند افرادی که آنان را در طول دوران سیاه اسناد اذیت و آزار کرده بودند چگونه بجای اعمال خود میروند .

۱۳- باید تمام ادارات ارتش و وزیر تا کوچکترین اداء از جمله برستی و اسراده و کاغذبازی بپرهیزند و کار مردم را سریعاً انجام دهند . البته مردم شریف میدانند که وزارتخانه ها و ادارات در جمهوری اسلامی باید زمین تغییر کنند تا از فرم غربی و سلطنتی درآمده و بمورتنی نمانی و اسلامی درآید .

۱۴- من با کمال تواضع از کسانی که در ورود این جانب با تلگراف یا نامه تفقد و لطف فرموده اند تشکر صمیمانه میکنم و آراینگه بواسطه کسرت نامه ها و تلگرافات و اشتغال جان فرما و کمی وقت و فرصت نتوانستم جواب بدهم عذر میخواهم من در خدمت همه هستم و طلب عفو از همگان میکنم خداوند مبالغه با سلام و ملت اسلام عظمت و قدرت مرحمت فرماید . والسلام علیکم ورحمه الله وبرکاته روح الله الموسوی الخمینی .